پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (بیست و چهارم) جمعه اول سنبله ۱۳۴۷ هـ — ۲۳ اگست ۱۹۶۸ ع

لمانځلی او خوشحاله دی وی ټول ملګری
دوستان، وطنوالی خویندی او ورونه

پرچم د افغانستان د خلک د دموکراتیک افکارو خپروونکی د انګلستان د استعمار او امپریالیزم پر ضد زموږ د هیواد د زړورو او زیار ایستونکو خلکو د ملی عادلانه جګړی د پنځوسم جشن په مناسبت د استقلال په لیاره کی زموږ د ملت د بی شمیره قربانیانو په خاطر، زموږ شهیدو او قهرمانو پلرونو په یاد، د وطن د خلکو د آزادی غوښتونکو او توریالیو زمنو او د هغوی د فداکاریو او سرښیندنو د خلاندی خاطری لپاره چه د امپریالیزم پر ضد د وسله ایز قیام په سنګرونو کی او د دار تر لرګی لاندی یا په وحشیانه تعذیب خآیونو کی یا اټکړیو ځنځیرونو، تورو ځانګو او زندانونو کی په شړن خایونو کی له هیواد نه لری، د آزادی او استقلال د دفاع په لاره کی یی خپل ځانونه قربان کړی دی.

د وطن د ګمنامو قهرمانانو او شهیدانو په یاد چه په ملی آزادی بخشونکون نهضتونو کی وژل شوی او یا د استعمار، استبداد او ارتجاع د توطئو قربانی شویدی.

ټولو هغو ښځو او نارینه ووته چه د ملی آزادی بخشونکی نهضت د سرته رسولو په لیار کی مبارزه کوی:

خپله توده لمانځنه وړاندی کوی او د دی نیکمرغی ورځی په مناسبت مبارکی ورکوی. د دی ستری ورځی په خاطر له ټولو ملی زیارایستونکو خلکو، د هیواد له ټولو ملی، دموکراتیکو او وطنپالو ترقی غوښتونکو قوتونو او د وطن له ټولو مبارزاتو او بالقوه تحول غوښتونکو نه غوښتنه کیږی چه د هیواد د خلکو ملی آزادی بخشونکی نهضت، د اقتصادی استقلال د تأمین پر لوری، نوی او مترقی مرحلی ته، د نویو ارتفاعاتو پر خوا د ملی آزادی بخشونکی عادلانه مبارزی تر بیرغ لاندی په یووالی او اتحاد، د واقعی دموکراسی پر لور د خلکو د ترقی او اجتماعی هوسایني پر لور د غایی هدف خوا ته او د سولی او نیکمرغی خوا ته د نهایی بری خواته بوزی!

درود و شادباش به همه رفقا، دوستان و خواهران
و برادران هموطن

پرچم، ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان، به مناسبت پنجاهمین جشن نبرد عادلانه ملی خلق‌های شجاع و زحمتکش کشور ما افغانستان علیه استعمار و امپریالیزم انگلستان، به خاطر قربانی‌های بی‌شمار ملت ما در راه استقلال به یادبود پدران شهید و قهرمان ما، به خاطرهٔ تابناک بهترین و ارزنده‌ترین فرزندان آزادیخواه و رزمندگان دلیر خلق وطن و فداکاری‌ها و جانبازی‌های

آنان که در سنگرهای قیام مسلحانه ضد امپریالیزم و در زیر چوبه‌های دار و شکنجه گاه‌های ددمنشانه و یا در غل و زنجیر و سیاه چال‌ها و زندان‌های سیاه و تبعیدگاه‌ها و در جلای وطن، در راه دفاع از آزادی و استقلال جان‌های خود را قربان کرده‌اند.

به یاد تمام قهرمانان و شهدای گمنام وطن که یا در مبارزه رهایی بخش ملی جان سپرده‌اند و یا قربانی توطئه‌های استعمار، استبداد و ارتجاع شده‌اند.

به همه زنان و مردانی که در راه بسر انجام رساندن جنبش آزادی‌بخش ملی مبارزه می‌کنند:

درود آتشین می‌فرستد و این روز فرخنده را از صمیم قلب شادباش می‌گوید و به مناسبت این روز پرافتخار از تمام خلق‌های زحمتکش وطن، از تمام نیروهای ملی، دموکراتیک و ترقی‌خواه وطن‌پرست کشور و سایر مبارزان و تحول طلبان بالقوه وطن، دعوت می‌گردد که جنبش آزادی‌بخش ملی خلق میهن را به مرحله نوین و مترقی، بجهت تأمین استقلال اقتصادی، به‌سوی ارتفاعات تازه، در زیر پرچم گلگون پیکار عادلانه آزادی‌بخش ملی با وحدت و اتحاد، به‌سوی دموکراسی واقعی و ترقی اجتماعی و رفاه خلق، به‌سوی هدف غایی و به‌سوی صلح و خوشبختی به‌پیش به‌سوی پیروزی نهایی ببرند!



فورمول ۵۰ سال استقلال

از نظر زمان، از استقلال وطن (۵۰) سال می‌گذرد، ولی از نظر مضمون جنبش آزادی‌بخش ملی، از لحاظ محتوی رشد نسبی اقتصاد و فرهنگ، از نگاه موضع گیری در سیاست خارجی و اعتبار بین‌المللی، از نظر ضدیت با استعمار و امپریالیزم، از لحاظ تشکل یک «ملت» و وطن واحد، از نگاه اتحاد خلق‌های کشور، از نظر آزادی و دموکراسی، از لحاظ سطح رشد و تکامل اجتماعی، از نگاه مجموع کار و فعالیت در راه ساختمان وطن، از نظر انکشاف شعور سیاسی، طبقاتی و ملی، از نظر جنبش و مبارزه ملی و دموکراتیک به‌صورت فشرده زمان به مقیاس کشورهای مشابه، بیش از (۵) سال نمی‌گذرد.

بیرک کارمل

بیداری آسیا
و جنبش آزادی‌بخش ملی ما

صدها قیام مسلحانه عمومی و محلی خلق‌های گرانه های آمو تا سواحل رود سند (تا سومین پیکار قهرمانانه و عادلانه ملت افغانستان ۱۹۱۹) ضربات پیهم و مرگباری بر پیکر استعمار سیاه انگلستان در ین گوشه جهان وارد کرد.

همچنان ده‌ها مرتبه خلق‌های آزادمنش و شجاع کشور پر افتخار ما علیه دولت‌های استبدادی و وابسته، که کشور را به استعمار گران و امپریالیست‌ها فروخته و توده‌های مردم را به منتهای فقر و ستم کشانیده بودند، قیام کردند و حتی بعضاً تا سرحد پیروزی رسیدند.

تا اینکه مبارزه آگاهانه مشروطیت فصل نوینی را در نهضت ملی و آزادیخواهی کشور ما به‌مثابه تدارک جنگ استقلال آغاز نهاد.

مبارزه مشروطیت موج کوچک ولی تندیست از جریان عظیم بیداری آسیا، نطفه ایست از جنبش‌های ملی و آزادی‌بخش آسیا و اخگری است از مبارزه مردم ما به خاطر استقلال و آزادی وطن که از جانب دولت وابسته به استعمار و امپریالیزم وحشیانه سرکوب گردید.

اما مبارزات پرشور خلق قهرمان ما همچنان ادامه یافت. تا سرانجام در ۱۹۱۹ (در دوره اعلیحضرت امان الله خان) منجر به قیام عمومی مسلحانه علیه امپریالیزم انگلیس گردید و بدین ترتیب افغانستان به حیث نخستین کشوری از کشورهای آسیایی و آفریقایی پرچم استقلال را برافراشت و طومار استعمار کهن را در هم نوردید و الهام بخش ادامه مبارزات ضد استعماری این کشورها گردید.

هم دوران با بیداری افغانستان، در طلیعه قرن بیستم (۱۹۰۵) در ایران انقلاب مشروطیت برپا شد. انقلاب مشروطیت ایران یکی از وقایع مهم و مؤثری است که سیمای کشور همجوار ما را دگرگون ساخت و از جهت عمق و دامنه آن این جنبش خلق برادر ما یکی از بزرگترین انقلابات دموکراتیک ملل آسیا در دوران خویش بشمار می‌رود.

همچنان مقاومت‌های قهرمانانه و ایجاد قطعات پارتیزانی و حملات بی‌امان گوریلایی ضد استعماری خلق‌های دو طرف خط جعلی استعماری دیورند و دیگر عوامل داخلی و خارجی موجب بسط و گسترش جنبش‌های آزادی‌بخش ضد استعماری، خلق‌های کبیر هند گردید. چنانکه در هندوستان بردگان بومی سرمایه داران «متمدن» انگلیس در اوقات اخیر موجب تشویش نامطبوعی برای «آقاهای» خود شدند.

در بمبئی تظاهرات خیابانی و اعتصابات در دفاع از تیلاک رجل انقلابی هندوستان شروع گردید و مبارزه پرولتاریای هندوستان تا سرحد مبارزه سیاسی آگاهانه توده‌ای رشد می‌یافت (۱۹۰۸).

بورژوازی انگلستان که از رشد جنبش کارگری علیه سرمایه در کشور خود در هراس بود و از موج مبارزه انقلابی در افغانستان و هندوستان و ایران علیه سیستم استعماری سرمایه داری در وحشت افتاده بود، نقشه‌های اشغالگرانه امپریالیستی و استعماری خود را در سراسر جهان، بخصوص در افغانستان و صوبه سرحد (پښتونستان) به وحشیانه‌ترین و سیاه‌ترین شکل دنبال می‌کرد که بار سنگین آن بر دوش خلق‌های عظیم هند می‌افتاد و موجب فقر بیشتر توده‌های مردم آن کشور می‌گردید.

(ص ۲)

میر اکبر خیبر

پیکار مقدس ما
علیه دشمنان آزادی و استقلال ادامه دارد

پنجاه سال قبل ملت افغانستان به حیث نخستین کشور از کشورهای آسیایی و آفریقایی پرچم جهاد مقدس ملی و پیکار قهرمانانه میهنی را علیه بزرگترین، مجیل‌ترین و خون‌خوارترین امپراتوری‌های جهان، که به‌اصطلاح آفتاب بر آن غروب نمی‌کرد، برافراشت. با اشغال نایره جنگ آزادیخواهی، همه خلق‌های آزادیخواه و میهن پرست افغانستان با جنب و جوش زایدالوصفی دوشادوش همدیگر، بر مواضع دشمن حمله‌ور شدند. خلق شجاع و دلیر ورای «خط دیورند» اعم از مهمند، افریدی، مسود، وزیری، توری و دیگر خلق‌های دلیر سرحد آزاد، صوبه سرحد، شمال غربی و بلوچستان بر پایگاه‌ها و مواضع دشمن هجوم بردند. در محاذ های مختلف جنگ، پیروزی‌های بزرگ نظامی بدست آمد. شهرهای پشاور و کویته و دیگر مراکز حساس به‌طور مستقیم تحت تهدید جنگ آوران افغان واقع شد.

قیام مسلحانه دهقانان در پنجاب و تشدید مبارزات آزادیخواهان در سراسر هند، شورش عمومی پشتون‌ها و بلوچها در صوبه سرحد شمال غربی و بلوچستان به‌طرفداری برادران افغان خود و شکست‌های پیهم نیروهای انگلیس در چند جبهه و به‌خصوص اینکه همزمان با اعلان استقلال از طرف افغانستان، حکومت جوان شوروی که قبلاً دوستی خود را با افغانستان اعلان داشته بود، استقلال کشور ما را به رسمیت شناخت که این شناسایی استقلال افغانستان از طرف آن دولت با در نظر داشتن اوضاع در آن وقت از نظر سیاسی حایز اهمیت نهایت بزرگ بود و در کوتاه ساختن مدت جنگ تأثیر به سزایی داشت و انگلیس‌های امپریالیست را وادار ساخت که اعلان متارکه را بپذیرند و استقلال افغانستان را به رسمیت بشناسند.

بعد از اعلان متارکه، انگلیس‌ها به استقلال در امور داخلی و خارجی تن در دادند و به این صورت سومین جنگ عادلانه افغانستان علیه انگلیس با پیروزی استقلال سیاسی افغانستان پایان یافت. معاهده صلح ابتدا در راولپندی و چندی بعد در منصوره به امضا رسید.

ولی، آنچه موجب نارضایتی شدید مردم، بخصوص جوانان روشنفکر و آزادیخواه افغانستان گردید، این بود که در اثر فشار و شانتاژ انگلیس‌ها، علی رغم اراده ملت ما هر بر هیأت اول و هم بر هیأت دوم افغانی «خط سرحد دیورند» به حیث خط سرحد هند برتانوی و افغانستان قبولانده شد و به این صورت موفقیت بزرگی نصیب انگلیس‌ها گردید. انگلیس‌ها بعد از به رسمیت شناختن استقلال افغانستان به غرض سرکوب ظالمانه نهضت آزادیخواهی در آن‌طرف «خط دیورند» که ادامه دهنده و مکمل جنبش آزادی‌بخش ملی خلق‌های افغانستان بود، سوقیات بزرگ نظامی به‌سوی وزیرستان، مهمند، اپریدی و غیره دست زدند. اقوام سرحد آزاد را که در بحرانی‌ترین شرایط به‌طرفداری افغانستان قیام نموده بودند و در پیروزی افغانستان سهم برادرانه داشتند، به شدیدترین نحوی مجازات نمودند، قرا و دهات مسکونی آن‌ها را از هوا و زمین به بی‌رحمانه‌ترین شکل بمبارد و به خاک یکسان کردند.

به همه حال، تن دادن به شناسایی استقلال افغانستان از طرف دولت برتانیه به دوره طولانی بدترین شکل اسارت استعماری خاتمه داد و بدین صورت یکی از موانع عمده از سر راه ترقی کشور برداشته شد.

(ص ۲)

دکتور اناهیتا

غرور ملی، وطن‌پرستی و درس‌های پر افتخار
از مدرسه استقلال

درین روزها جشن پنجاهمین سالگرد استقلال کشور برگزار می‌گردد. تمام محافل ارتجاعی کشور، بیروکرات‌ها، مستبدین، ملاکین، فئودال‌ها، تاجران بزرگ، دلال و هواداران استعمار و امپریالیزم، ستمگران و استثمار گران »همه با هزاران آهنگ به نغمه سرایی در باره آزادی و استقلال »وطن «و عظمت اصیل استقلال ملی مشغول‌اند. رقابت در تظاهر به ملت خواهی و وطن دوستی، استعمال کلمات و دادن شعارها و نمایش‌های عوام‌فریبانه به پیمانه‌یی وسعت یافته است که خلق به مشکل می‌تواند تشخیص دهد که خط فاصل میان مداحان جیره خوار و عمال ارتجاع از یکسو و نیروهای صدیق ملی، دموکراتیک و ترقی‌خواه اصیل وطن پرست به خاطر آزادی و استقلال از سوی دیگر در کجاست؟ از این‌رو لازم است تا نیروی پیشتاز دموکراتیک خلق روش و احساسات عالیه خود را نیز نسبت به این روزهای پر افتخار روشن سازد و همچنان نشان دهد که افتخار و غرور ملی ما به پیکار انقلابی خلق‌های قهرمان کشور در راه تأمین استقلال بروی کدام سنن و دست آورد های با ارج آن استوار است.

ما به خاطر داریم که چگونه نیم قرن پیش مردم ما »در دوره سلطنت اعلیحضرت امان الله خان «استقلال را بدست آوردند و بزرگترین قدرت جهانی را بزانو در کشیدند و معترف به استقلال کشور گردید؛ و نیروهای جوان ملی، آزادیخواه و متجدد علی رغم اراده استعمار، سیاست نوین خارجی و پروگرام وطن‌پرستانه زیرین را طرح کردند که در دشوارترین شرایط برای ساختمان یک وطن آزاد و مرفه قسماً مورد عمل قرار گرفت.

در امور داخلی:

الغای سیستم منحوس بردگی که تا آن زمان چون لکه سیاه بر دامان جامعه ما موجود بود. اصلاحات اداری و مالی، جدایی سیاست از مذهب، رونق تجارت داخلی و خارجی، ترتیب بودجه کشور برای نخستین بار (که بین ۴۵ الی ۵۰ ملیون افغانی بود)، احداث خطوط آهن و طرح ایجاد صنایع ملی از قبیل فابریکه های بافندگی، سگرت، کاغذ، قند، سمنت، شیشه، نساجی و غیره (که ماشین آلات آن خریداری و بعضاً بکار افتاده بود)، ایجاد مکاتب شیشه سازی، پروگرام باسواد ساختن مردم، آزادی مدنی زنان، تدوین و اعلان قانون اساسی و دیگر قوانین مدنی، جبری قرار دادن تعلیمات ابتدایی، اعطای آزادی و حق تحصیل در داخل و خارج به زنان کشور، منع ازدواج اجباری و نکاح صغیره و محدود کردن تعدد زوجات، تأسیس مکاتب جدید، آزادی مطبوعات، گفتار و بیان، مبارزه علیه استعمال مصنوعات خارجی، مبارزه علیه استبداد اداره و فرهنگ استعماری و نفوذ استعمار در کشور و لغو پارهیی امتیازات روبنایی نظام خان خانی و غیره.

در امور خارجی:

- تأمین روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با کشورهای اروپایی و آسیایی.
- دفاع از جنبش ملی خلق‌های ماورای خط تحمیلی دیورند »پښتونستان «و جنبش رهایی بخش نیم قاره هند، ضدیت با استعمار و امپریالیزم، دفاع از صلح، استقلال، آزادی، دوستی و همکاری با اتحاد شوروی همسایه بزرگ شمالی ما و کشورهای مستقل ضد استعمار مانند ترکیه آن زمان و غیره.

این‌هاست سن عالیه استقلال، خاطرات تابنده و الهام بخش حاکی از عشق که سرشار از ایمان به مبارزه در برابر دیو خشمگین استعمار و امپریالیزم بود.

(ص ۴)

د پرچم راتلونکی ګڼه د پښتونستان د قهرمان ورور او همرزمو خلکو د ملی ورځی په ویاړ د ۱۳۴۷ کال د سنبلی په نهمه نیټه خیرپږی.

سلیمان لایق

باید له ړومبیو پیښونه وروستی درسونه

زده کړو

د نولسمی پیړی په پای کی کله چه جهانی سرمایه داری د امپریالیزم مرحلی ته نیږدی شوه د برتانوی زخمی استعمار منګولی زمور د خلکو د داړلو لپاره لا تیری شوی. سره له دی چه د افغانستان آزاد ملت هره لوټه او هر کمر، هره دره او هر غر او حتی هره کوڅه او هر کور د دښمن مخی ته سنګر کړی و، خو د داخلی مرتجعو محالفو د سازش او توطئی له کبله د افغانستان زړور ولس په مزمنه توګه د برتانوی استعمار په بنه اخته شو او په نتیجه کی د افغانستان د خلکو تاریخی افتخارات چه په هره پیړی کی د لس هاوو زرو وګړو د بدمرغیو، لوږو، بی خوبیو، مجازاتو مرګونو او رنځو په بیه دفاع شوی وو د یوی محدودی مفسدی او اجنبی پرستی طبقی تر جاه طلبی قربانیان شول؛ یعنی هغه ملت چه د ګرمو جګړو په میدان کښی نه وو مات شوی، د مرتجعو داخلی محافلو د پټو او بنکاره سازشونو له کبله بی له دی چه په ځان پوه شی د ضد ملی، ضد خلقی او غیر قانونی معاهدو په وسیله د حریص او بیرحم امپریالیزم په لومه کی ونښت. سیاسی طاقت ضد ملی او مرتجعو قوتونو ته په لاس ورغی. مبارزین تجرید کړی شول او په هیواد کی د ننه د ویری او رعب سیوری په غرونو رغونو خپور شو. د خیبر دری نور د اجنبی یرغلګرو د وینو لښتی نه بیول. د افغانستان له وګړو نه د هیواد د آزادی لپاره د دفاع واک سلب شوی و.

د جګدلک د لارو زمریانو خیل سنګرونه خوشی کړی وو. د سندونو په شور او خور کی د آزادی حماسی غلی شوی وی. هیواد رنځورو او د دیورند په چاره نیم شوی ور.

مګر ... مګر د خلکو مینډو، د بزګرانو مینډو او دهیواد د ټولو زیار ایستونکو مینډو لاهم قهرمان زمن زیږول او روزل یی. د آزادی حماسه غلی شوی وه، خو د آزادی سره مینه لا هماغسی ژوندی وه او د رابهیدونکو نسلونو په وینه کی یی مستی کوله.

د خلکو د سهمجنی چوپیا شا ته د چیغو او غضب د توفان علامی ورځ تر ورځی را څرګندیدلی، مګر هر چا د هغه څپی نه لیدلی، یوازی د توفان مرغان دی چه د توفان په راتګ پوهیږی او لا پخوا د هغه هیبتناک غورځنګونه او ګړندی مندې وینی.

هماغه توفان را ورسید او د شګو او خټو هغه بندونه یی و نړول کوم چه د امپریالیستی معمارانو د خائنو داخلی ارتجاعی محافلو په مرسته زمور د خلکو او آزادی تر مینځ اچولی وو. زمور د خلکو ځپی سره ورغلی او د افغانستان د ټولو خلکو د قهرمانو مینډو زمنو یوځای او په ګډه د آزادی حماسی او د یرغل بیرغونه جګ کړل.

د آزادی لپاره زمور د خلکو فریاد د نړی پدی ګوټ کی د اسیرو ملتونو د چوپیا روژه ماته کړه او هغوی یی تشویق کړل چه یو ځل بیا د امپریالیزم په کړیو او خنځیرونو کی د خپلو متو او هډونو قدرت وآزمویی او د امپریالیزم د سکوت جادو مات کاندی.

تاریخ به د تل لپاره د دی خبری شاهد وی چه دا زمور خلک وو چه د خپلو وینو په بیه یی دا حقیقت تایید کړ چه ستر استعماری هیوادونه که څه هم په ظاهر کی پیاوړی وی د کوچنیو اسیرو ملتونو آزادی د تل لپاره نشی ځنډولی.

اوس پوره پنځوس کاله کیږی چه زمور خلکو د خپلو وینو او سرونو د قربانی په بیه د نړی د نورو ملتونو تر څنګ د امپریالیزم د لا زوالی پوچه او جعلی افسانه پای ته ورسوله او د افغانستان د سیاسی آزادی د افتخار جنډه یی ودروله. (د افغانستان خلک به د آزادی په انقلاب کی هیڅکله د خپلو پښتونستانیو او بلوچستانیو وروڼو د فداکاری، وروی او ګډ سنګر خاطرات هیر نکړی. له همدی کبله ده چه د افغانستان د خلکو واقعی نمایندګان د آزادی لپاره د زړورو او ننګیالو پښتنو او بلوڅو مبارزه د نړی تر ټولو سیاسی مسایلو را خپله او په ځآن پوری مربوط بولی او د هغوی د خودارادیت د حق د حاصلولو په لیاره کی صادقانه تکل خپله ملی او بین‌المللی وظیفه بولی.)

د افغانستان خلکو له دی آزادی نه ستر انقلابی سنتونه لاس ته راوړل او د دی امکانات را پیدا شول چه آزادی پخپل سم مسیر کی خپلو ورستنیو بشپړو هدفونو ته ورسیږی، دا ځکه چه افغانستان د نړی د آزادو هیوادونو په کتار کی خپل حیثیت اعاده کړ، په هیواد کی د ننه د ملت د یوالی د تأمین زمینه پیاوړی شوه. په فرهنګی چارو کی ګړندی تغییر راغی او د پوهنی د تعمیم او د بنځو د آزادی په لیار کی ګړندی ګامونه واخیستل شوو، په عمومی توګه د هیواد په سیاسی، اقتصادی او اجتماعی اړخونو کی نسبی انکشاف مینځ ته راغلل.

په افغانستان کی د ملی آزادی تحریک چه د نا آزمویل شویو لارو چارو په لټه کی و د امپریالیزم او داخلی ارتجاع د اندیښنی او ویری سبب شو او هغوی د خپلو اقتصادی، سیاسی او اجتماعی پیاړو مواضعو په مرسته زمور د ملی نهضت په جریان کی ژور تخریبونه وکړل نو ځکه یی د آزادی د کامیاب شوی انقلاب ګاډی له خپلی سمی کرښی نه را وایسته او د هغی مخه یی له خپلو ملی او خلقی هدفونو څخه واړوله. دی ګاډی بیا وروسته د آزادی د انقلاب د هغو قهرمانانو هډوکی و خپل کوم چه د آزادی په جګړه کی د خلکو د ارادی نمایندګان بلل شوی وو.

د آزادی د لارښوونکو پر ضد د بدنامولو دسیسی کولو، تکفیرولو، بندی کولو، (دریم مخ)

بعد از تحصیل استقلال سیاسی، انقلاب آزادیبخش ملی خلق‌های

شرعی جوزجانی

خلق آزاد لیگنی سیور

ایرکین لیگینګ او چون ای قهرمان خلق!
ایلیک یل ایلګری میدانګه کیردینګ:
قصا کار قیلیچینګ بیلن بی‌امان،
قانلر توکیب یاولر صفی نی قیردینګ!
***
سینینګ بد نینګ دن آققن قیزیل قان،
طوفان بولدی دریا بولدی سیل بولدی.
بوسیل هیبتیدن تترب یر- آسمان،
د شمنلر نینګ قلبی دهشتګه تولدی.
***
بوسیل غلغله لر تشلپ د نیاده،
مستملکه چیلیک قور غانین بوزدی،
الهام بیریب خلقلر ګه افر- آسیاده،
اسارت نینګ تیمیر کشنین اوزدی.
***
وطن ایرکین لیګی نینګ بیراغی نی.
طنطنه لربیلن سین کوتر دینګ سین!
آزاد لیک نینګ قو روب یا تکن باغی نی،
قیزیل قانینګ بیلن سین سوغر دینګ سین!
***
مونچه شرف- افتخار لرینګ بیلن،
ایلیک یل دن نری حاضر قلی سن؟
نیګه قلبینګ توله دور غم – قیغودن؟
نیګه بال (۱) اورینده زهر یلی سن؟
***
آزادلیک چراغین سین یاقتینګ اما.
قرانغو کلبنګنی یارو تمدی نور،
اوزګه لرګه عشرت قیلیب مهیا،
اوزینګ کورالمد ینګ بر لحظه حضور!
***
بوبیر ملر (۲) الوان الوان چراغلر،
یسلګن بنالر سین او چون می؟ یوق!
بو نعمتلر، ګلدن توله چرباغلر،
بوذوق و صفا لرسین او چون می؟ یوق!
***
آزادلیک نان بیرر آزاد کیشی ګه،
عزت بیرر بختیار لیک کیلتیرر!
ایلر اونی بخشی حیاتکه ایګه،
شونینګ او چون خلق آزاد لیکنی سیور،
***
قنی نیمه کوردینګ بو آزاد لیکدن؟
بله لرینګ قرنی ناندن تویدی می؟
بهره آلادینګ می راحت – شادلیکدن؟
بخت – اقبال سین تامان قدم قویدی می؟
***
سینی هر قنچه هم دیسه لر آزاد،
قول لرینګه باغلیغ ستم زنجیری!
بیرماق او چون تیر یکلینکینګ نی برباد،
بودور صنفی دشمنلرینګ تدبیری!
***
ایشچی لر، دهقانلر، کسبه کارلر،
منور یګیت لر، قریلریا شلر!
کورش سیز آزادلیک بولمس میر،
بر بولیب کو ره شینګ ای وطنداشلر!
***
عمر بادیشه سین خلقمر آزاد!
قورسون اوزی او چون ینګی بر جهان!
یشه سین، ګل له سین یشنه سین آباد!
وطنمز جانه جان افغانستان!

(۱) عسل، شهد.
(۲) جشن لر، حیث لر.

پیکار مقدس ...

افغانستان وارد مرحله جدیدی گردید. اعلیحضرت امان الله خان پلان‌های زیادی جهت اجرای اصلاحات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی طرح نمود. سرمایه داران تاجر پیشه که بالعموم مرکب از سرداران و کلان شوندگان قوم بودند برای رونق و اعتلای تجارت خود خواهان ایجاد یک حکومت نیرومند مرکزی بودند تا بتواند راه‌های عصری تجارتی احداث نماید و امنیت را در کشور و خاصتاً راه‌های تجارتی تأمین کند تا زمینه برای پیشرفت و ترقی کشور در طریق رشد سرمایه داری آماده گردد.

بدین ترتیب زمینه برای اجرای یک سلسله اصلاحاتی که به نفع نیروهای ذینفع بود مساعد گردید (مراجعه شود به مقاله دکتور اناهیتا).

سیاست خارجی مستقل افغانستان آزاد به وجود آمده و طبق مقتضیات یک کشور مستقل سر از نو تنظیم گردید. معاهدات متعدد در ساحات مختلف با کشورهای جهان به امضا رسید که مهمترین آن معاهده ۱۹۲۱ بین افغانستان و شوروی بود. این اولین معاهده‌یی بود که با تساوی حقوق بین افغانستان و یک دولت بزرگ به امضا رسید. معاهده ۱۹۲۱ گذشته از اهمیت همه جانبه سیاسی آن، زمینه‌های وسیع را برای همکاری مثمر در ساحات مختلف اقتصادی، کلتوری و امداد تخنیکی آماده ساخت. روابط مملکتین را بر پایه نوین و محکمی بنا نمود. این معاهده سنگ تهداب تمام آن معاهدات بعدی را تشکیل می‌دهد که تا امروز بین هر دو مملکت به امضا رسیده است.

معاهده ۱۹۲۱ را معاهده بی‌طرفی و عدم تعرض ۱۹۳۱ موسوم به معاهده پغمان تکمیل نمود. بر اساس این معاهده مناسبات هر دو کشور بر اصول بی‌طرفی، عدم تعرض، عدم مداخله در امور داخلی یک دیگر، به رسمیت شناختن حق حاکمیت ملی و اجازه ندادن به فعالیت‌های تخریبی و خصمانه علیه یکدیگر در داخل خاک‌های مربوط استوار گردید.

همچنان معاهدات متعدد دیگری در ساحه های مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی با دیگر کشورهای آسیایی افریقایی و اروپایی به امضا رسید از قبیل معاهدات دوستی، فرهنگی و تجارتی با مصر، جاپان، پولند، فرانسه، آلمان، بلژیک، قرارداد ساختن خط آهن بین کابل و جلال آباد با آلمان و قرار داد ساختن راه آهن بین کابل، کندهار و هرات با فرانسه از جمله قراردادهای مهم اقتصادی بشمار می‌رفت. هکذا از جمله قراردادهای مهم سیاسی با کشورهای آسیایی یکی هم عبارت است از معاهده اتحاد با ایران و ترکیه که به نام معاهده اسدآباد شهرت دارد. این معاهده منعکس کننده یک آرزوی دیرینه مسلمانان شرق در مبارزه با استعمار بود.

نکته مهمی که در اصلاحات بدان توجه نگردید، عبارت از حل مسئله ارضی به نفع دهقانان بود. دهقانان که اکثریت نفوس کشور را تشکیل می‌دادند در فقر و تنگدستی زندگی فلاکت باری بسر می‌بردند. روابط فیودالی به خشن‌ترین شکل تسلط داشت. فیودالیزم که در افغانستان مانند سایر کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره آسیایی از طرف استعمار گران حفظ و تقویه می‌گردید، پایگاه مطمئن اجتماعی برای حفظ منافع استعمار و امپریالیزم و تشدید استثمار دهقانان توسط ملاکین فیودال بشمار می‌رفت.

چون اصلاح ارضی صورت نگرفت بدین‌جهت بار مالیات روز تا روز بر دوش دهقانان سنگین‌تر می‌شد و زندگی دهقانان بیش از پیش رقت‌بارتر می‌گردید. این وضع باعث نارضایتی شدید دهقانان شد، و زمینه مساعدی برای پذیرفتن پروپاگند ارتجاع و عمال استعمار که پروگرام‌های اصلاحی را منافی منافع خود می‌پنداشتند به وجود آمد، و قبل از آنکه اصلاحات به «دوره جدید» با «دوره ثانی» داخل گردد سفر سودمند شاه با رؤیا، بی‌کفایتی و خیانت بعضی از مأمورین عالی‌رتبه حکومت، تبلیغات خصمانه نیروهای سیاه ارتجاع داخلی و عمال امپریالیزم زمینه مساعد دیگری بود که موجب نارضایتی شدید مردم از حکومت گردید. تبلیغات ضد شخص پادشاه و پروگرام‌های اصلاحی وی به‌سرعت گسترش یافت، جرقه‌های ضد انقلابی از گوشه و کنار کشور زبانه کشید.

لارنس جاسوس معروف انگلیس که در امور کشورهای اسلامی خصوصاً اعراب و سرحدات افغانستان تخصص و تجربه و معلومات کافی داشت و در اثنای اغتشاش شنوار بنام «پیر کرم شاه» وارد افغانستان گردیده بود، در این تحریکات و تبلیغات ضد اعلیحضرت امان الله خان عمیقاً ذیدخل بود.

طوری که در بالا گفته شد دور ماندن دهقانان از حوزه اصلاحات، یعنی عدم حل مسئله زمین و بلند بردن مالیات باعث فقر روز افزون و تیره روزی دهقانان گردید. چون اصلاحات سطحی بود و تضاد اساسی جامعه را حل نمی‌کرد و متکی به خلق نبود لذا نمی‌توانست پشتیبانی طبقات زحمتکش و محروم جامعه را داشته باشد. قشر محدود سرمایه داران تاجر که در این اصلاحات ذینفع بودند از نظر اجتماعی بسیار ضعیف و ناتوان بودند. وسایل پیشبرد اصلاحات که از بالا به‌طرف پایین صورت می‌گرفت بسیار ناقص و غیر مکفی بود، در برخی موارد جنبه‌های تحریک کننده اصلاحات نسبت به مفیدیت و ضرورت آن بیشتر بود، که باعث تولید شک و بدگمانی در بین مردم می‌گردید. بنا بر زمینه‌های فوق، زمانی که ارتجاع به همدستی عمال امپریالیزم (لارنس‌ها) تبلیغات زهرآگین خود را با سو استفاده از نام پاک «مذهب و روحانیت» آغاز نمود، مواد کافی برای مغشوش ساختن اذهان عامه به وجود آمده بود. از آن رو توانستند که در مدت کمی

(ص ۳)

وقف دارخی عکسیون پرچم ایران آنهایی که پرچم مبارزه را برمی

از (ص اول)

ایـن روش و ددمنشانه، «متمدن‌ترین رجال» سیاسی انگلستان را که عالی‌ترین شکل مشروطیت را گذرانده بودند، به وحشی‌هایی مبدل کرده بود که از طریق سیاست معروف «تفرقه بینداز و حکومت کن» در بین خلق کبیر هند و نفاق ملی و ده‌ها بدبختی دیگر را ایجاد می‌نمودند. معهذا نعره‌های سواراج (استقلال) که در هند طنین افگن بود، استعمار گران انگلیس را به لرزه می‌انداخت. جنبش‌های مسالمت آمیز و قهر آمیز صوبه سرحد (پښتونستان)، بنگال و پنجاب علیه ستمگران امپریالیست انگلیس هر روز وسعت و دامنه بیشتری می‌یافت.

در ترکیه جنبش انقلابی به رهبری حزب ترکیه جوان (۱۹۰۸-۱۹۰۹) در اردو پیروز شد و با پشتیبانی تودەهای دهقانان و شهریان از قیام کنندگان، ترکیه کشوری مشروطه اعلان گردید.

ملل کشورهای عربی که سال‌ها مصائب بیکران استعمار گران بر آن‌ها تحمیل شده بود، پس از جنگ ایتالیا با ترکیه، به جنبش در آمدند و نطفه‌های نهضت‌های ضد استعماری در سراسر سرزمین پهناور خلق‌های عرب گسترش می‌یافت.

جنبش انقلابی علیه نظام قرون وسطایی در چین در جریان سال ۱۹۰۸ با نیروی خاصی متظاهر گشت. در بهار سال ۱۹۱۱ انقلاب بورژوا – دموکراتیک در چین آغاز و دودمان منچوری واژگون گردید و رژیم جمهوری به وجود آمد. سون یات سن رهبر انقلابی و دموکرات چین به‌عنوان رییس جمهور موقت انتخاب و «پلاتفرم دموکراسی کبیر چین» را اعلام کرد. بدین ترتیب چهار صد میلیون آسیایی عقب مانده به آزادی نایل آمدند و برای شرکت در حیات سیاسی از خواب برخاستند.

جنبش انقلابی به «هند هالند» (اندونیزیا) و سایر مستعمرات هلند نیز انتقال نمود (۱۳۱۳). استبداد طولانی و خود سری‌های دولت هلند با مقاومت دلیرانه و اعتراض شدید توده‌های مردم اندونیزی روبرو گردید. انکشاف جنبش استقلال طلبی اتحادیه‌ها، احزاب و همچنان طرح اتحاد ملی را به وجود آورد. دیگر جلوگیری از پیشرفت جنبش ملی و بیداری آسیا محال به نظر می‌رسید.

در آغاز قرن بیستم، مرکز جنبش انقلابی بین‌المللی به روسیه انتقال یافت. طبقه کارگر روسیه تحت رهبری حزب بلشویک (کمونیست) و در رأس آن لنین پیشاهنگی این جنبش را به عهده گرفت. این جریان نوین روی مسؤولیت بین‌المللی خود توجه خاصی به مسایل آسیایی مبذول داشته و جریانات بیداری آسیا را به‌دقت مورد مطالعه قرار می‌داد، چنانچه در سال ۱۹۱۳ راجع به «بیداری آسیا» داهیانه چنین نوشته شد: «سرمایه داری جهانی و اطمینان به قوای خود و اعتماد به جنبش سال ۱۹۰۵ روسیه آسیا را به‌کلی بیدار کرد. صدها ملیون جمعیت جهل زده که در کشور قرون وسطایی به توحش دچار شده بودند برای زندگانی نوین و برای مبارزه در راه حقوق بدوی انسان، برای دموکراسی بیدار شدند.

کارگران کشورهای مترقی جهان با علاقه و شور و شوق مراقب این رشد پرتوان جنبش آزادیبخش جهانی در تمام بخش‌های کره زمین و در تمام اشکال آن استند. بورژوازی اروپا که از نیروی جنبش کارگری ترسیده است خود را به آغوش ارتجاع، نظامیان، کشیشان و جهل پروران انداخت، اما پرولتاریای ممالک اروپایی و دموکراسی جوان آسیایی که سرشار از توده‌های مردم است، جای این بورژوازی را که زنده زنده می‌گندد، می‌گیرد.

بیداری آسیا ...

بیداری آسیا و آغاز مبارزه برای حکومت پرولتاریای مترقی اروپا نشانه فصل نوین تاریخ جهان است که در ابتدای قرن بیستم گشوده شد.»

در جنوری سال ۱۹۱۴ جنگ امپریالیستی مشتعل گردید. این جنگ غارتگرانه که به خاطر تقسیم مجدد جهان در گرفت به منافع همه کشورهای امپریالیستی تصادم می‌کرد. ازین جهت جنگ – جنگ جهانی شد.

جنگ امپریالیستی که خود انعکاسی از بحران عمومی سرمایه‌داری

(ص ۳)

س، ع، کشتمند

وظیفه عمده در برابر جنبش آزادی‌بخش ملی ما

نیل به استقلال اقتصادی‌ست

پنجاهمین سالگرد استقلال سیاسی کشور درین روزها تجلیل می‌گردد و بدین مناسبت هیأت حاکمه افغانستان تلاش فراوانی به خرچ داده است که با راه انداختن تبلیغات وسیعی بر روی حقایق تلخ و دردناک عقب‌ماندگی دیرینه کشور پرده افگند و آن را معکوس جلوه دهد. تبلیغات و حرکات »نمایشی «در ساحه های مختلفی انجام گرفته است و از جمله در امر »انکشاف صنایع «طی نیم قرن اخیر.

هرگاه به نندارتون فرآورده‌های صنعتی و زراعتی ...، امسال کشور که مانند سال‌های گذشته اما با »تظاهرات «بیشتری دایر می‌گردد، سری زده شود به وضاحت می‌توان دریافت که جنبه نمایشی داشته و نمایندگی از تولید کتلوی در کشور نمی‌نماید. در حالی که نمایشگاه‌ها قاعدتاً نموداری از سلسله تولیدات وسیع و تجلی پیشرفت سریع صنعتی ساختن کشور معینی می‌باشد و بخصوص در سال‌های اخیر ماهیت مشخص تکنیکی پیدا کرده و به‌مثابه انعکاس دهنده آخرین دستآوردهای سیانس و تکنولوژی در آمده است.

آنچه در نمایشگاه‌ها از تولیدات کشور ما عرضه می‌گردد، غالباً انعکاسی از تولید وسیع نبوده و قسمت بیشتر آن محصول صنایع دستی و دستگاه‌های کوچک است که نمایندگی از استعداد و کار خلاقه پیشه‌وران و زحمتکشان کشور می‌نماید؛ اما این‌ها زمینه انکشاف پردامنه‌تری را ندارند و بنا بر عدم موجودیت سیاست حمایت دولتی از صنایع داخلی یکی پی دیگر به ورشکستگی می‌گرایند. اگر این‌طور نیست، پس چه شد آن‌همه صنایع ظریفه و آثار خلاق هنری ساخته دست صنعتگران ماهر وطن که بهترین نمونه‌های گران‌بهای آن به یغما برده شده و زینت بخش موزیم های خارجی و سالون های اشرافی گردیده است.

استعمار مستقیم امپریالیزم انگلیس طی سال‌های زیادی مانع هرگونه انکشاف اقتصادی و اجتماعی جامعه ما گردیده و اجازه نداد که افغانستان از مرحله اقتصاد طبیعی و ابتدایی زراعتی قدم فراتر گذارد. تمام صنایع ماشینی کشور درین هنگام منحصر به یک ضرابخانه، یک دستگاه کوچک برق آبی در جبل‌السراج بود که ساختمان این فابریکه برق به ظرفیت دو هزار کیلوات سیزده سال را در بر گرفت.

در سال‌های پس از حصول استقلال کشور نوه‌هایی از صنایع معاصر پدیدار گردید که مشتمل بر یک فابریکه گوگرد سازی، یک دستگاه نساجی، فابریکه حجاری و نجاری، فابریکه پشمینه بافی، مطابق، فابریکه سمنت، فابریکه شکر و غیره بود. همچنان صنایع دستی و خانگی در دهه اول استقلال مورد تشویق وسیع قرار می‌گرفت و متجددین آن زمان با شور و شوق مصنوعات وطنی را به تن و مصنوعات خارجی را تحریم می‌کردند، اما دیری نپایید که در اثر دسایس و توطیه های استعمار امپریالیستی این نهال نورس، جوانه نازده سربریده شد و تمام کوشش‌ها برای رشد صنایع ملی کشور در غنچه پژمرد.

بعداً بنا بر تعقیب شیوه ادارهٔ استعماری و نفوذ امپریالیزم آن کوشش‌ها در جهت رشد اقتصادی با هیچ گام مثبت و وسیعی دنبال نگردید. صنایع چند رشته‌ای در وجود فابریکاتی انگشت شمار چون جن و پرس پخته قندوز، قندسازی بغلان و نساجی پلخمری با تأسیس »بانک ملی «در سال ۱۳۱۲ (که در آغاز این بانک قسماً با سرمایه دولتی تمویل گردید و بعداً به مالکیت خصوصی در آمد) در برابر واگذاری امتیازات خاص و کاملاً انحصاری خیلی سودآور به این بانک مانند توريد پترول، شکر، وسایل نقلیه و صدور پنبه و پشم و غیره با سرمایه گذاری‌های خصوصی ایجاد گردید که نه تنها تأثیر آن‌ها در حیات اقتصادی جامعه ما محدود می‌باشد بلکه رشد نطفوی سرمایه داری در همان بدو امر جهت فاسد کنندەیی را به خود گرفت.

عدم رشد و حمایه صنایع داخلی و نفوذ امپریالیزم در اقتصاد مملکت موجب آن گردید که موقف کشور در تقسیم بین‌المللی کار بهبود نیابد. امتعه زراعتی به حیث اموال عمده صادراتی کشور باقی ماند و اجناس ساخته شده مصرفی به حیث واردات اساسی ما. رشد نسبی که در اثر تطبیق دو پلان در اقتصاد کشور و در زمینه مناسبات اجتماعی پدیدار گردید، به علت نا پیگیری و سطحی بودن آن نمی‌تواند پاسخگوی خواست زمان و نیازمندی‌های واقعی مردم ما در شرایط امروزی جهان باشد. (علی رغم اینکه آهنگ رشد اقتصادی طی دو پلان پنج‌ساله با سه دهه قبل از آن قابل مقایسه نیست). با وصف اینکه از استقلال کشور پنجاه سال تمام می‌گذرد و وطن ما به‌تناسب جمعیت خود دارای سرزمینی وسیع ثروت‌های طبیعی و نیروی کار مستعد انسانی می‌باشد اما از لحاظ صنعتی و اقتصادی همچنان عقب مانده و تا اندازه زیادی از نظر اقتصادی وابسته به کشورهای سرمایه داری باقی مانده است.

سطح نازل تولید داخلی بخصوص تولیدات صنعتی در چند رشته محدود نموداری از عقب ماندگی اسفناک اقتصادی جامعه ما می‌باشد. در حال حاضر تولیدات عمده صنعتی ما را سمنت، منسوجات، روغن نباتی، بود و شکر تشکیل می‌دهد. هرگاه تولیدات سال ۱۳۴۵ – سال اخیر پلان پنج‌ساله دوم – را در نظر گیریم به این ارقام خجالت آور بر می‌خوریم: برای هر ۱۵۰ نفر یکجوره بوت تولید گردیده است و مجموع تولیدات روغن نباتی ۳/۶ هزار تن، شکر ۷/۱ هزار تن و منسوجات نخی ۶۰ میلیون متر بوده است که برای هر نفر از نفوس کشور در سال ۰/۲ کیلو گرام روغن نباتی، ۰/۶ کیلو گرام شکر و ۴ متر پارچه نخی می‌رسد. به‌حساب سرانه درین سال ۱۲ کیلو گرام سمنت استحصال و ده کیلو زغال سنگ استخراج گردیده و برای هر فرد فقط پانزده کیلوات ساعت برق تولید شده است.

حقایق نشان می‌دهد که آهنگ رشد اقتصادی کشور با باز ده کار خیلی نازل‌تر از آنست که بر قرن‌ها عقب ماندگی اقتصادی کشور غلبه حاصل نماید و افغانستان را در مدت کوتاهی به سطح رشد کشورهای از لحاظ اقتصادی پیشرفته برساند. هر گاه آهنگ رشد به سطح فعلی نگاه داشته شود قرن‌ها لازم خواهد بود تا به این مأمول نایل آمد. در عرصه دو پلان اول و دوم زمینه برای سمت گیری اقتصاد کشور در جهت رشد فراهم آمد و سرعتی نسبی برای تکامل اقتصادی تا حدودی تأمین گردید ولی در پلان سوم حد اقل در تقویت دست آوردهای دو پلان قبلی و استفاده از امکانات بالقوه جدید برای رشد سریع‌تر اقتصاد و تقویه بیشتر ساختمان بنیانی جامعه موازینی نه تنها در نظر گرفته نشده است، بلکه به‌صورت توطیه آمیز سعی به عمل آمده تا »سرمایه گذاری‌ها از زیر بنا به‌سوی سکتورهای روبنا انتقال یابد .«رقم پیش‌بینی شده جهت سرمایه گذاری در پلان سوم (با وجود اینکه امکانات تدارک آن در عمل بعید به نظر می‌رسد، بخصوص که اتکای بیشتر در بخش صنایع بر سرمایه گذاری‌های خصوصی گردیده است و زمینه برای تأمین آن‌ها وجود ندارد) مؤید این حقیقت تلخ است که نه تنها آهنگ رشد سریعی را برای اقتصاد و فرهنگ کشور تأمین کرده نمی‌تواند، بلکه از آهنگ رشد نسبی به مقایسه پلان دوم با اول کاسته است.

خلای عمیق در میان کشور ما و کشورهای از لحاظ اقتصادی پیشرفته روز بروز بیشتر می‌گردد. بر طبق احصاییه‌های ملل متحد در جریان دهه اخیر عاید سرانه سالانه در کشورهای کم رشد و من‌جمله کشور ما فقط به‌اندازه یک دالر افزایش یافته است، در حالی که در کشورهای پیشرفته صنعتی تناسب افزایش از سی تا پنجاه دالر می‌باشد. هر گاه عاید ملی سال ۱۳۴۵ را که می‌توان هفتاد میلیارد افغانی تخمین کرد به‌تناسب نفوس کشور درین سال که ۱۵/۴ میلیون نفر تخمین گردیده است در نظر گیریم: عاید سالانه فی نفر در حدود ۴/۸ هزار افغانی خواهد بود و در روز سیزده افغانی می‌شود که فوق‌العاده ناچیز است (توجه کنید یک قرص نان ۳- افغانی‌ست) و تازه اکثریت مطلق هم از آن محروم‌اند و یا بخش کوچکتری از آن را بدست می‌آورند. از برکت (!) مالکیت‌های بزرگ بر وسایل تولید و توزیع غیرعادلانه است که اقلیت کوچکی قسمت اعظمی ازین عواید را به شکل در آمدهای بزرگ تصاحب می‌نمایند.

لهذا منافع مردم افغانستان جدا حکم می‌نماید که باید این عقب ماندگی اقتصادی از بین برداشته شود، امر تجدید اقتصاد کشور – صنعتی ساختن کشور – انجام گیرد و یک اقتصاد ملی – مبنای استقلال ملی – ایجاد گردد. اکنون مبارزه برای انتقال جامعه به مرحله‌یی از لحاظ صنعتی و اقتصادی مستقل به این ضرورت حیاتی مبدل گردیده است. اکنون شرایطی پدید آمده که می‌توان در زمان کوتاهی با تجهیز تمام وسایل و امکانات داخلی و استفاده از کمک‌های مساعد اقتصادی و تکنیکی کشورهای صلح‌دوست رشد سریع صنعتی را تأمین کرد و بر عقب‌ماندگی‌های طولانی اقتصادی کشور غلبه حاصل نمود، اما محافل حاکمه سیاسی کشور بدان قادر نیست که با این عقب‌ماندگی‌ها مقابله نماید. بنا بر آن حکومتی دموکراتیک و ملی می‌تواند در مرحله کنونی زمینه‌ها و شرایط قبلی استقلال اقتصادی و تکنیکی کشور را ایجاد نماید، استقلال سیاسی را استحکام بخشد، پلان‌های امپریالیستی را در اقتصاد کشور خنثی سازد و توطئه‌های آن را در هم شکند، استثمار نیمه استعماری و نفوذ انحصارات پرقدرت خارجی را از حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه برچیند. چنین حکومتی می‌تواند مسأله ارضی را حل نماید و تسلط طبقه طفیلی ملاکین فئودال، سود خواران و محتکرین را از حیات اقتصادی و سیاسی جامعه بر اندازد. نبوغ خلاقه و نیروی ایجاد گر خلق را برانگیزد و منابع سرشار طبیعی کشور را مورد بهره برداری قرار دهد، تمام منابع داخلی تراکم سرمایه را در امر صنعتی ساختن کشور بسیج نماید و کشور را در جهت رشد مستقل اقتصادی سوق دهد.

صنعتی ساختن کشور وظیفه عمده حکومت دموکراتیک ملی را تشکیل می‌دهد، با درک این حقیقت که در غیر آن نمی‌توان مبنای مادی و تکنیکی یک جامعه »مترقی و مرفه « را بنیان گذارد و به استقلال کامل اقتصادی و تکنیکی نایل آمد. رشد صنایع اساسی به‌نوبه خود باعث استحکام قدرت حکومت دموکراتیک ملی گردیده و موجب افزایش کمی طبقه کارگر می‌شود و شرایط مادی انکشاف زراعت را به وجود می‌آورد.

تجارب اخیر نشان می‌دهد که امحای سریع فقر و گرسنگی، عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی بدست خلق از طریق حکومت دموکراتیک ملی که راه رشد غیر سرمایه داری را در پیش گیرد، میسر است. بدین‌جهت در مرحله کنونی جنبش رهایی بخش کشور نه تنها در جهت تقویت استقلال سیاسی بلکه برای احراز استقلال واقعی مبارزه صورت می‌گیرد. »ایدئولوگ‌های بورژوائی هنگامی‌که از آزادی ملی حرف می‌زنند ... آزادی اقتصادی را در سایه می‌گذارند ... «در حالی که جنبش رهایی بخش ملی با تأمین استقلال سیاسی پایان نمی‌پذیرد و هر گاه به دنبال آن اصلاحات مؤثر اجتماعی و اقتصادی صورت نگیرد، نتایج آن نامطلوب و موهوم خواهد بود.

وظیفه عمده که در برابر جنبش کنونی رهایی بخش ملی کشور و نیروهای دموکراتیک ملی و ترقی‌خواه وطن‌پرست قرار دارد، مبارزه برای نیل به ترقی اجتماعی و استقلال اقتصادی است.

نیروهای ترقی‌خواه جهان – دوستان واقعی مردم ما – درین جهاد مقدس برای برآوردن آرمان‌های والای خلق نجیب و پر ارج وطن محبوب ما افغانستان با ما بوده‌اند و خواهند بود.

به‌پیش! به‌سوی اعمار و شگوفایی وطن پر افتخار ما!

از (ص ۲)

پیکار مقدس ما ...

آتش یک جنگ تباه کن ارتجاعی داخلی را در کشور بر افروزند.

با آغاز جنگ داخلی بحران عمومی سراسر کشور را فرا گرفت. شاه دست از کار کشید و با فامیل خود از مملکت خارج شد و جنبش آزادی‌بخش ملی ما موقتاً، اما به‌طور المناکی در اثر دسیسه دو دشمن خطرناک ما یعنی ارتجاع و استعمار به شکست مواجه شد. ارتجاع به طرز وحشتناکی بر کشور مستولی گشت. جنگ خانمان سوز داخلی همه مظاهر زندگانی جدید را بلعید. دستآوردهای نزدیک به یک دهه استقلال از بین رفت و محصول رنج هزاران نفر کارگر وطن سوزانده شد و خسارات بزرگ مادی و معنوی که جبران آن تا دیرزمانی ممکن نخواهد بود، به مردم افغانستان وارد گردید. امنیت و مصئونیت از کشور رخت بر بست. عده زیادی از آزادیخواهان و وطن پرستان به دهن توپ و چوبه دار بسته شدند. زندان‌ها از محبوسین سیاسی پر شد. آزادی خواهان نه تنها در داخل، بلکه به خارج کشور نیز تبعید می‌شدند.

افسانه‌های دهشتناک دهمزنگ و آنچه در داخل این زندان مخوف می‌گذشت، داستان‌های باستیل و زندان‌های قرون وسطی را از یاد می‌برد.

استقلال سیاسی ما به یک شی صوری و بی‌ماهیت مبدل گردید و کشور مستقل ما در نتیجه این توطئه استعمار که به دست مرتجعین داخلی به معرض اجرا گذارده شد، عملاً بیک کشور وابسته تغییر ماهیت نمود. اقتصاد و فرهنگ ملی ما که تازه به رشد مستقل خود آغاز نموده بود، پیش از آنکه به اهداف خود نایل آید، به رکود مواجه شد. سال‌های طولانی استبداد و اختناق نه تنها مانع بهبود زندگی مردم گردید، بلکه بار دیگر اقتصاد، فرهنگ و سیستم اداره کشور را جهت و ماهیت استعماری داد و جلو هر نوع رشد و تکامل را در حیات اجتماعی ما گرفت که آثار و نتایج شوم آن تا امروز دامن‌گیر خلق‌های رحمت کش افغانستان است.

مردم افغانستان در مدت یکنیم قرن همجواری به استعمار برتانیه و در طی سه جنگ بزرگ که بین قوای انگلیس و خلق افغانستان رخداده، خسارات مادی و معنوی زیادی را متحمل شدند. وطن پرستان و ترقی‌خواهان افغانستان فراموش نخواهند کرد که انگلیس‌ها با وطن مقدس‌شان چگونه بی‌باکانه بازی نمودند. قطعات بزرگی از خاک ما را با میلیون‌ها نفر برادران هموطن ما با زور و جبر از ما جدا کردند و با هند برطانوی ملحق ساختند که تا هنوز در راه حق تعیین سرنوشت خویش مبارزه می‌نمایند.

ولی خاطره تلخ و هرگز فراموش ناشدنی‌ای که به‌مثابه خنجر تیز در هر لحظه در قلب هر افغان وطن‌پرست و شریف فرو می‌رود همین توطئه اخیر استعمار و مرتجعین است که بر ضد نهضت آزادی‌بخش ملی ما به راه انداختند.

تا زمانی که نام امپریالیزم و استعمار استبداد و استثمار در جهان باقی‌ست، تا وقتی‌که این نظام پلید و غیرانسانی و انسانیت سوز از سیاره ما محوه نشود و جهان بدون استعمار و استثمار ساخته نشود، این خاطره تلخ سیستم استعماری امپریالیزم را هرگز فراموش نخواهیم کرد و با ایمان راسخ و محکم، با کینه و خشم فراوان در راه امحای قطعی آن از روی زمین و پاک کردن جامعه بشری از لوث استعمار و امپریالیزم و همه اشکال و انواع استبداد، دوشادوش همه بشریت مترقی به پیکار مقدس خود ادامه خواهیم داد.

«د دوهم مخ پاتې»

باید له رومبیو پیښونه ...

شړلو او وژلو بلاو سر راپورته کړ. وطن د وطن په زمنو سور اور شو او د امپریالیزم د یو یوځل بیا خپل خنجر زمور د هیواد په زړه خښ کړ.

پدی توګه زمور د آزادی بخشونکی انقلاب دوهمه برخه چه د لومړی برخی لمن او د هغی هدف و پخپل لومړی ګام کی شنده شوه او د برتانوی استعمار مخامخ امپریالیزم زمور د ټولنی د اقتصادی او اجتماعی پراختیا مخه ونیوله او افغانستان یی پری نښود د یویی او غوایی د زراعت له لومړنی اقتصاد نه پښه وړاندی کیږدی له همدی کبله خلکو و نشو کولای چه د آزادی له مادی او معنوی نعمتونو څخه مطلوبه ګټه واخلی خو اوس چه په جهانی معیار کی د امپریالیزم مواضع کمزوری شویدی او داخلی ارتجاعی محافلو هم خپل پخوانی قدرت بایللی دی نو د دی لپاره زمینه برابره شویده چه (د خلک دموکراتیک مرام) د تحقق لپاره مبارزه وشی او پدی توګه آزادی بخشونکی ملی نهضت خپلو ستراتیژیکی هدفونو او ورپسی خپلو غایی هدفونو ته توجیه شی. باید ټول دموکراتیک وطنپالونکی او مترقی عناصر سره متحد شی او خپل ورځنی وظایف د خپلو فکری اختلافونو سره سره جدا تعقیب کاندی.

اوضاعو په رښا کی دی واقعیت ته پاملرنه وکړی چه ارتجاعی محافلو د امپریالیزم په مرسته او لمسون بیا دا کوشش شروع کړیدی چه د تاریخ څرخ تا ارم شی او په افغانستان کی روان سیاسی نهضت بیا په ټیره د خلک دموکراتیک مرام ناکام کاندی. باید د نهضت د نجات لپاره ټول وطنپالونکی دموکرات او مترقی عناصر سره متحد شی او خپل ورځنی وظایف د خپلو فکری اختلافونو سره سره جدا تعقیب کاندی.

از (ص ۲)

بیداری آسیا ...

دلیرانه برافراشت و حلقه دیگری از حلقات زنجیر امپریالیزم جهانی را در هم شکست و نقش پرافتخاری را در بیداری آسیا، در بیداری خلق‌های کبیر هند و سایر کشورهای تحت ستم استعماری ایفا نمود.

افغانستان جز اولین کشورهایی بود که بزرگترین و نخستین کشور انقلابی سوسیالیستی جهان یعنی اتحاد شوروی را به رسمیت شناخت و همچنین دولت نوبنیاد شوروی نخستین کشوری بود که استقلال افغانستان را به رسمیت شناخت و تمام قراردادهای اسارت آور امپریالیستی و من‌جمله کنوانسیون ۱۹۰۷ را در مورد کشور ما ملغی قرار داد و خلق ما در وجود این دولت جوان بهترین دوست و پشتیبان آزادی و استقلال خود را یافت.

بدین ترتیب افغانستان پس از یک قرن سیاست غارتگرانه و تجاوز کارانه امپریالیزم بریتانیا، توفیق یافت که سیاست وابسته، یک‌جانبه و تجریدی‌ای را که بر آن تحمیل شده بود به سیاست مستقل ملی تبدیل نماید و پرچم استقلال را علی رغم اراده استعمار و امپریالیزم به اهتزاز در آورد.

تجربه گران‌بهای چند سال بعد از احراز استقلال نشان داد که سیاست مستقل ملی افغانستان چگونه موجب سرعت ترقی و تکامل اجتماعی در کشور گردید. مقام، حیثیت و اعتبار بین‌المللی افغانستان را به‌مثابه یک ملت قهرمان و نمونه آزادی ملی در آسیا و جهان ارتقا بخشید. بر اساس این سنن پر افتخار ملی است که نیروهای صدیق و اصیل ترقی‌خواه وطن‌پرست با اتکا به اراده خلق افغانستان سیاستی را پیروی می‌نماید که ضامن استحکام و پایداری استقلال کشور است.

ولی هیهات! جنبش آزاد ملی کشور ما در همان بدو امر مورد توطیه و دسایس خشن و ناهنجار سیاست وحشیانه امپریالیستی و محافل ارتجاعی افغانستان قرار گرفت و دیری نپایید که نهضت آزادی‌بخش ملی ما مختنق گردید و رشد آزادی و جنبش آزادی‌بخش ملی ما در نیمه راه متوقف و کشور ما ظاهراً مستقل ولی عملاً در قید وابستگی سیاسی و اقتصادی کشورهای سرمایه داری امپریالیستی و هواداران داخلی و امپریالیزم، ارتجاع و استبداد باقی ماند؛ زیرا هنوز تناسب قوا به نفع ارتجاع و امپریالیزم بود و سیستم جهانی سوسیالیزم ایجاد نشده بود، جنبش‌های کارگری و آزادی‌بخش ملی در مرحله نخستین موج مبارزه قرار داشت و در سیلاب انقلابی جهانی نپیوسته بود و بدین ترتیب اقتصاد ملی و فرهنگ ملی ما ایجاد نشد، آزادی و دموکراسی در شئون زندگی خلق ما تعمیم نیافت، استقلال اقتصادی تأمین نگردید، همچنان به فقر و عقب ماندگی و جهل مردم ما که قرون متوالی دامن‌گیر آن‌هاست پایان داده نشد.

(ص ۴)

پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک افکارو خپرونکی

اول سنبله ۱۳۴۷

پرچم به شئون مردم با شهامت و وطن‌پرست پنجشیر احترام می‌گذارد

مضمونی از طرف یکی از خواهران افغان بنام (ثریا) به اداره جریده پرچم رسیده بود که در شماره گذشته انتشار یافت.

درین مضمون ضمن انتقاد از ستم‌های گوناگونی که بر کلیه خلق‌های زحمتکش کشور، از آن جمله بر مردم نجیب پنجشیر تحمیل می‌گردد، مطلبی نشر گردیده بود. ولی به کمال تأسف علی رغم احساس شریفانه و همدردی و احترام عمیقی که «پرچم» به شئون و شرافت مردم زحمتکش افغانستان، من‌جمله مردم باشهامت پنجشیر داشته است، موضوع را شخص معلوم‌الحالی قلب ماهیت و تحریف کرده و برای عده‌یی از هموطنان پنجشیری ما غلط تعبیر نموده است. موصوف به شیوه همیشگی خود، به‌منظور فتنه‌انگیزی و تحریک مردم پنجشیر علیه فرزندان صدیق و فداکارشان و به خاطر تیره کردن اوضاع و تولید نفاق و «اخلال گری» در کشور، توطئه خلاف مصالح ملی کشور را به راه انداخت. طوری که این امر از طرف عده زیادی از هموطنان پنجشیری ما عمیقاً درک گردیده است و طی نامه‌ها و مراجعات متعدد و مکرر خود به اداره پرچم، ازین عمل فتنه‌انگیزانه اظهار تأسف نموده‌اند.

پرچم باآنکه در موضوع دفاع از شئون و حقوق مردم ستمکش پنجشیر در نشرات خویش کوچکترین شائبه‌یی از بی‌احترامی نمی‌بیند، ولی بازهم برای اینکه بهانه‌یی به عناصر دسیسه کار و خود غرض و فرصتی به اغواگری و تفرقه افگنی داده نشود، و برای اینکه احساسات پاک وطن‌پرستانه خلق پنجشیر که به قیمت رنج‌های هزاران فرزند خود در عرصه کار و زحمت به قیمت فر بانی‌های فراوان در راه دفاع از آزادی و استقلال، در مبارزه علیه استعمار و استبداد مقام شایستهیی را بدست آورده‌اند جریحه‌دار نگردد، با کمال حرمت و به خاطر اطمینان و خوشی آن عده از مردم دلیر و زحمتکش پنجشیر که اذهان شان نسبت به مضمون منتشره در جریده پرچم موقتاً مشوب ساخته شده بود، با نشر این مطلب احترام بی‌پایان خود را تقدیم می‌دارد.

زنده باد خلق زحمتکش پنجشیر، که پرچم خدمتگار صدیق آن‌هاست.

پرچم اظهار تأسف می‌کند:

از مدتی به این‌طرف ده‌ها مظاهره، اعتصاب و اجتماع از کارگران، دهقانان، محصلان و روشنفکران، پیشه‌وران و شهریان در افغانستان به وجود آمده است، ولی روزنامه‌های سرکاری از آن جمله روزنامه انیس هیچ‌گونه خبری از آن تا کنون انتشار نداده است، اما حرکت عده‌یی انگشت شمار و تحریک شده علیه پرچم را با کمال جسارت به‌صورت تحریک آمیز و به مقصد «مصادره پرچم» انتشار داد که مایه تأسف است.

باید خاطرنشان ساخت که پرچم از خود دلیرانه دفاع می‌کند!

به مناسبت پنجاهمین یادبود قیام ملی خلق‌های افغانستان

درود پرشور و آتشین به تمام خلق‌های ملل تحت ستم آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین که در راه آزادی و استقلال پیکار می‌کنند.

درود پرشور به خلق پښتونستان و بلوچستان!

نبرد رهایی بخش ملی یک قرن و نیم خلق پشتونستان و بلوچستان مظهر دلیری و ثبات در مبارزه علیه دشمن تاریخی خلق‌ها- امپریالیزم انگلستان – علیه استبداد و ستم ملی طبقه و هیأت حاکمه پاکستان و امپریالیزم آمریکا در وجود پیمان‌های نظامی سنتو و سیاتو است.

خلق افغانستان از کمک و شرکت فعال و شجاعانه خلق برادر و همرزم پشتونستان در جنگ عادلانه استقلال افغانستان سپاسگزار است!

پیروز باد مبارزه عادلانه آزادی بخش خلق ملی خلق پشتونستان و بلوچستان!

سرنگون باد یک یونت، زنده باد آزادی و استقلال!

درود آتشین به خلق قهرمان ویتنام!

حماسه پیکار مقدس خلق ویتنام سرمشق و انگیزه ایست برای تمام خلق‌ها و ملل تحت ستم جهان که در راه آزادی و استقلال مبارزه می‌کنند. ویتنام نمونه درخشان، مشعل جاودان دلیری، اراده شکست ناپذیر بشریت مترقی است. در نبرد علیه دشمن عمده خلق‌ها – امپریالیزم، خلق قهرمان ویتنام امپریالیزم تجاوز کار آمریکا را از لحاظ نظامی و اخلاقی در برابر توفان عظیم افکار عمومی جهان شکست داده است!

خلق قهرمان ویتنام! شما به‌روشنی ثابت کردید کسانی که برای امری عادلانه و آرمان مقدس می‌جنگند، غلبه ناپذیرند!

پیروزی‌های اخیر شما شایان هرگونه تحسین است! ما از صمیم قلب وطن‌پرستان ویتنام را تبریک میگوییم که ضربات درهم شکننده‌یی را بر دشمن وارد می‌آورند و ما به پیروزی قطعی خلق ویتنام در پیکار عادلانه‌شان علیه متجاوز اطمینان کامل داریم.

ما پیشنهادهای صلح حکومت جمهوریت دموکراتیک ویتنام و پروگرام جبهه آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی را یگانه راه حل مسئله ویتنام میدانیم. ما قطع بمباردمان ویتنام و تمام حرکات جنگی دیگر را خواستاریم!

درود گرم به خلق‌های آزادی دوست عرب!

دست‌های مداخله جویان امپریالیزم آمریکا، انگلستان و آلمان غرب از کشورهای عربی کوتاه!

اشغال گران اسراییل خاک‌های کشورهای عربی را به‌زودی ترک دهند!

پیروز باد جنبش رهایی بخش ملی و مترقی ملل آزادی دوست عرب!

* * *

ما معتقدیم که وحدت عمل تمام نیروهای کشورهای سوسیالیستی، زحمتکشان جهان، جنبش‌های آزادی بخش ملی و تمام نیروهای دموکراتیک و مترقی و صلح‌دوست جهان در یک جبهه وسیع صلح، آزادی، استقلال و دموکراسی و ترقی در مبارزه علیه جنگ، تجاوز و امپریالیزم ضرورت عصر ماست!

افتخار و شرف و درود پرشور بر خلق‌های جهان که برای آزادی و استقلال در پیکار اند!

با آن که جنبش رهایی بخش ملی کشور ما پس از چند سال مختنق گردیده و شکست برداشت ولی نقش آن در ادامه نهضت آزادی بخش اثرات عمیقی بجا گذاشت. با وصف اینکه نیروهای ارتجاع داخلی و هواداران امپریالیزم و استعمارگران

(از صفحه اول)

غرور ملی، وطن‌پرستی و ...

ولی با کمال تأسف ارتجاع داخلی هوادار استعمار و نیروهای امپریالیزم زود راه بسط و توسعه جنبش نجات بخش کشور را مسدود ساختند!

زیرا در آن دوران تناسب قوا به نفع نیروهای مترقی در عرصه جهانی چندان نیرومند نبود که بتواند جلو ضربه‌های هلاکتبار امپریالیزم و ارتجاع داخلی را در برابر جنبش‌های آزادی بخش مستعمرات بگیرد.

با وجود ضرباتی که ارتجاع به این جنبش‌ها وارد نمود و جنبش موقتاً با شکست مواجه شد و با وجود سپری شدن سال‌های طولانی اختناق، احجاف و تعدی بازهم به‌حکم جبر تاریخ و قوانین تکامل جامعه، نیروهای مترقی با عبور از راه‌های دشوار و خطیر توانسته‌اند گروه‌های مبارز آگاه را به وجود بیاورند و به‌سوی تشکل و بیداری به‌پیش بروند. اکنون خلق کارگر و نیروهای پیش آهنگ آن از حس غرور ملی نوین و وطن پرستی مترقی بشر دوستانه برخوردار گردیده و قادر اند در مبارزه برای آزادی و استقلال، صلح و دموکراسی، ترقی و رفاه شرکت کنند؛ و دیگر از چوبه‌های دار، سیاه چال‌ها، زندان‌ها، ... و اتهامات تهدیدها، فقر ... و غیره نهراسند.

نیروی دموکراتیک خلق افتخار دارد که با غرور ملی و روحیه وطن‌پرستی در راه سنن انقلابی و رهایی بخش ملی مقرون به دهه اول استقلال، در راه تحول بنیادی، تحولی که برای رشد نیروهای تولیدی عرصه مساعد ایجاد کند، تحولی که افغانستان را به‌سوی استقلال کامل ملی، ایجاد اقتصاد ملی، تکامل جنبش دموکراتیک ملی و فرهنگ نوین ملی و مترقی و سرانجام به‌سوی عالی‌ترین نظام نوین اجتماعی سوق دهد، تحولی که خلق ستمکش و وطن پر افتخار ما را از یوغ استبداد، ارتجاع و استعمار، فئودالیزم و امپریالیزم رهایی بخشد، مبارزات پرشور و دلیرانه خود را همچنان ادامه می‌دهد.

باید خاطر نشان ساخت که محتوی غرور ملی رهایی بخش و وطن پرستی نوین مترقی ما ضد هر نوع استبداد و ستم ملی است و علیه هرگونه اسارت ملی و نیروهای خشن و حیوانی استعمار و امپریالیزم خشم مقدس و بی‌امان داریم و از تمام جنبش‌های انقلابی آزادی‌بخش ملی ملل آسیا، افریقا چه در پښتونستان، چه در ویتنام چه در سرزمین اعراب، چه در کانگو و انگولا چه در آمریکای لاتین پشتیبانی و طرفداری می‌کنیم. این عالی‌ترین و نخستین درس پر افتخار مدرسه «استقلال» است.

- ما زبان‌ها فرهنگ‌های ملی، سنن عالیه و قهرمانی و دلیری و مبارزات خلق‌های کشور خود را، سرزمین و وطن خود را دوست داریم. این درس دیگری از استقلال است.

- ما بیش از هر چیز دیگر مجدانه کوشش می‌کنیم تا اکثریت عظیم ملت ما یعنی توده‌های زحمتکش وطن ما به سطح زندگی آگاهانه ملی، دموکراتیک و مترقی و وطن‌پرستانه فارغ از ستم و استثمار ارتقا یابد.

- احساس وطن پرستی و غرور ملی ما وقتی جریحه‌دار می‌شود که می‌بینیم با وصف گذشت پنجاه سال از استقلال باز هم فقر و عقب ماندگی متمادی سخت دامن‌گیر خلق‌های کشور ماست.

- برای ما دردناکتر از هر چیزی مشاهده و احساس زور گویی و ستمگری و استثمار و اهانتی است که مستبدین، مرتجعین، فئودال‌ها، سرمایه داران، تجار بزرگ دلال، بیروکرات‌های بی‌رحم و هواداران استعمار و امپریالیزم و نمایندگی‌های انحصارات خارجی بر خلق زحمتکش و وطن زیبای ما روا داشته‌اند و آرزوهای مردم ما را دستخوش هوا و هوس خویش نموده‌اند.

- ما افتخار می‌کنیم که راه مدرسه «استقلال» را پیگیرانه و دلیرانه تعقیب می‌نماییم و علیه هر نوع بی‌عدالتی‌ها و زورگویی‌ها مبارزه می‌نماییم و در راه به انجام رساندن جنبش آزادی‌بخش ملی کشور تا به پیروزی نهایی به‌پیش می‌رویم.

- ما افتخار می‌کنیم که از قرن‌ها به این‌سو وطن ما فرزندان قهرمان با نام و نشان و همچنان گمنامی را در دامن خویش پرورده است که صدها مرتبه علیه استبداد و ارتجاع و استثمار شجاعانه مقاومت و قیام کرده‌اند.

- ما افتخار می‌کنیم که وطن ما فرزندانی مانند نامداران طاق ظفر پغمان، محمود طرزی، عبدالرحمن لودین، مشروطه خواهان، عناصر جوان، متجدد و آزادیخواه و دیگر محافل ملی وطن پرست دهه بعد از «استقلال» و چند سال بعدتر از آن را پرورش داد.

با پیروی از راه آن‌ها بود که دموکرات‌های دوره هفت شورای ملی، محصلان و روشنفکران شجاعانه به دژ استبداد و ارتجاع و استعمار را به لرزه در آوردند.

- ما افتخار می‌کنیم که موج نهضت دموکراتیک و ملی در چند سال اخیر با محتوی نوین و مترقی بسط و گسترش می‌یابد، طبقه جوان کارگر افغانستان به مبارزه اقتصادی و سیاسی می‌پردازد و در جنبش رهایی بخش کشور ما فعالانه شرکت می‌کند. دهقانان به نهضت علاقه و پیوند پیدا می‌کنند، نفوذ جهان بینی علمی و شعور طبقاتی در بین اقشار مختلف روشنفکران و زحمتکشان پر دامنه‌تر می‌شود.

- ما افتخار داریم که نیروی دموکراتیک خلق بر مبنای اصول و احکام جهان بینی علمی و شرایط کشور مرام نجات بخش دموکراتیک خلق را به غرض تحول بنیادی در کشور برای نخستین مرتبه طرح کرد و با گام‌های استوار مصمم در میدان مبارزه با درک همه مخاطرات به‌پیش می‌رود و سنن پر افتخار سرسپردگان راه آزادی و استقلال را پاکیزه نگه می‌دارد و پرچم درخشان و گلگون رهایی خلق‌های وطن را بر افراشته نگه‌داشته و در سیر تاریخ مبارزات نقش گام‌های قهرمانانه خود را بجا می‌گذارد.

آزادیخواهی گران‌بهاترین میراث شهدای سنگرهای خونین وطن ماست!

ما آن را تا مرز عالی‌ترین شکل آزادی انسان، آزادی از ستم و استثمار خواهیم کشاند.

فرخنده باد خاطره تابناک پنجاهمین سالگرد جنگ عادلانه ملی خلق ما بر علیه امپریالیزم انگلیس!

استوار باد سنن پرافتخار و رزمنده فرزندان پیش‌آهنگ قیام ملی پدران پر افتخار ما!

درود آتشین به شهدای راه آزادی و استقلال!

از (ص ۳)

بیداری آسیا و ...

کشورهای سرمایه داری غرب اکنون هم در تلاش‌اند که مانع احراز کامل استقلال ملی افغانستان گردند، ولی شرایط موجود داخلی و بین‌المللی بیش از پیش تحقق این نیات ارتجاعی را محدودتر می‌سازد و خلق‌های زحمتکش کشور ما راه خود را به‌سوی تأمین و تحکیم استقلال ملی، آزادی و دموکراسی می‌کشانید.

خاطره استقلال و سنن عالیه انقلابی آن و جانبازی‌ها و فداکاری‌های خلق‌های قهرمان و مجاهدان گمنام راه آزادی و استقلال کشور علی رغم گذشت پنجاه سال، الهام‌بخش نیروهای صدیق ملی، دموکراتیک و اصیل ترقی‌خواه وطن‌پرست است که در راه انجام جنبش آزادی‌بخش ملی مبارزه می‌کنند و در اذهان نسل نوین وطن زنده و جاویدان خواهد بود.

نیروی دموکراتیک خلق که خود را وارث سنن مترقی و انقلابی جنبش استقلال طلبی و آزادی‌بخش ملی ضد استعمار و امپریالیزم (این حق همه فرزندان رزمنده خلق وطن است) می‌داند. چندین سال است که به تعقیب سنن عالیه فوق، با پیگیری و دلیری و هوشیاری تمام در راه استحکام استقلال کامل ملی، صلح، دموکراسی و ترقی مبارزه می‌کند و در راه تأمین آرمان‌های ملی و دموکراتیک خلق‌های وطن ما به پیکار رشد یابنده خود ادامه می‌دهد.

تحقق آرمان‌های آزادی و استقلال ملی خلق‌های وطن ما در مرحله نخست مستلزم آزادی‌های وسیع دموکراتیک است، زیرا استقلال بدون آزادی‌های دموکراتیک فاقد محتوی‌ست. ما معتقدیم که هر اقدام و هر تحولی که بر پایه جنبش دموکراتیک و خلقی استوار نباشد، امری‌ست سطحی، محدود، قشری و ناکام.

ما معتقدیم که یکی از شرایط مقدماتی لازم و مهم ترقی و تکامل جامعه ما تأمین استقلال اقتصادی و ایجاد اقتصاد ملی کشور است. در شرایط کنونی محو نظامات فئودالی از طریق اجرای اصلاحات اساسی ارضی به نفع دهقانان، خاتمه بخشیدن به تسلط تاجران بزرگ دلال و تاجران و نمایند گی های انحصارات امپریالیستی از طریق ملی کردن تجارت خارجی، صنعتی کردن کشور و تقویت روزافزون سکتور (بخش) دولتی اقتصاد و دموکراتیزه کردن اداره آن و طرد بیروکراسی، کنترول، رهنمایی، تشویق و تجدید بخش خصوصی اقتصاد و در نتیجه ایجاد افزایش در عواید ملی از ین طرق به خاطر تأمین پایه‌های مادی لازم برای سرمایه گذاری‌های ضروری و تحصیل آهنگ سریع رشد اقتصادی و فرهنگی کشور وظایف ملی و تاریخی ماست.

ایفای این وظایف درین مرحله تاریخی از طریق تعقیب راه رشد غیر سرمایه داری و ایجاد حکومت دموکراسی ملی میسر است. در غیر آن اسارت و فقر و عقب ماندگی دیرینه کشور که میراث شوم استعمار و امپریالیزم جهانی و ارتجاع داخلی است، همچنان باقی خواهد ماند.

ما به خاطره تابناک قربانیان راه استقلال، به تأسی از سیاست ملی نزدیک به ده سال اول بعد از استقلال معتقدیم که باید سیاست خارجی افغانستان به خاطر استقرار استقلال کامل ملی در جهت ملی و دموکراتیک و مترقی، عمق، بسط و توسعه یابد. این امر از طریق اتخاذ سیاست مستقل صلح‌جویانه، از طریق مقاومت و مبارزه دلیرانه علیه سیاست تجاوزکارانه امپریالیستی با دوستی و همکاری با همه کشورهای نو استقلال آسیا، افریقا و بخصوص استحکام روابط نزدیک با کشورهای سوسیالیستی امکان پذیر است.

با تغییر تناسب قوا در عرصه بین‌المللی به نفع ترقی و به ضرر ارتجاع مقدمات مادی و معنوی برای اجرای چنین تحول بنیادی در کشور، فراهم شده است. اکنون رسالت تاریخی تمام نیروهای صدیق ملی، دموکراتیک و ترقی‌خواه اصیل وطن‌پرست است که باید مجدانه سعی و مبارزه کند تا در عرصه داخلی نیز تناسب به نفع نیروهای تحول طلب و وطن‌پرست و بزیان نیروهای ارتجاعی تغییر کند تا بدین‌وسیله آرمان‌های رهایی بخش دموکراتیک و ملی خلق‌های افغانستان تحقق یابد.

راز پیروزی اتحاد و وحدت تمام نیروهای ملی، دموکراتیک و ترقی‌خواه وطن‌پرست است. مسئولیت عظیم تاریخ متوجه کسانی است که به بهانه‌های مختلف بجای اتحاد و وحدت تخم نفاق و تفرقه در میان این نیروها پخش می‌کنند.

ایمان استوار به استقلال، به خلق و وطن و به‌ضرورت تحول بنیادی در کشور، آمادگی کامل به شرکت در مبارزه دشوار و پر از مخاطرات، فرا گرفتن فن مبارزه توأم با روح بشردوستانه و پرشور و اراده آهنین می‌تواند راه آزادی ملی و خلقی را در کشور هموار سازد!

بگذار خاطره سنن مترقی و انقلابی ضد استعمار و امپریالیزم قیم کنندگان قهرمان راه آزادی و استقلال افغانستان - وطن پرافتخار ما – الهام بخش راه ما باشد!

فرخنده باد جشن یاد و بود پنجاهمین سال جنگ قهرمانانه ضد استعماری مردم دلیر ما!

پیروز باد وحدت نیروهای دموکراتیک و ترقی‌خواه افغانستان!

پیروز باد اتحاد تمام نیروهای ضد استعمار و امپریالیزم!

درود آتشین به قهرمانان و قربانیان استقلال، به خلق‌های زحمتکش وطن محبوب ما افغانستان که محصلان واقعی استقلال‌اند!

پرچم به پیشواز کنگره بیست و پنجم حزب کمونیست اتحاد شوروی

دستگیر پنجشیری

«هندوکش بیدار» پاسدار صلح و استقلال ملی ما

این مضمون بنا بر تراکم مضامین در این شماره از نشر بازماند در شماره آینده تقدیم می شود.

د امتیاز خاوند او مسؤول مدیر: سلیمان لایق

دولتی مطبعه

شماره آیندهٔ پرچم به مناسبت روز ملی خلق قهرمان، برادر و همرزم ما پښتونستان به روز ۹ سنبله ۱۳۴۷ نشر می شود.

تایپ متن: فرهاد بارکزی، ویرایش: عمر فیض